

تحلیل و تاریخ‌گذاری اشیاء نو یافته از قبرستان برزول - نهاوند

محسن جانجان^I، خلیل‌الله بیک‌محمدی^{II}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NB.2022.25738.2451

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۹۰-۱۵۷

چکیده

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق‌اردبیلی، اردبیل، ایران.
II. دکتری باستان‌شناسی، معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).
khalil_bm@yahoo.com

در حفر گورستان برزول شهرستان نهاوند با هدف دفن متوفیان، به صورت اتفاقی به اشیاء مختلفی از جنس سفال و مفرغ سالم برخورد گردیده که در نوع خود قابل توجه است. این اشیاء نو یافته دربردارنده ۳۵ قطعه از سفال‌های مختلف سده‌های میانی اسلامی از نوع سفال‌های ساده و لعابدار (تک‌رنگ فیروزه‌ای، زرین فام و مینایی) و اشیاء و ظروف فلزی مفرغی (پی‌سوز و انواع ظروف) است. گورستان امامزاده فضل در جنوب غربی برزول واقع شده و از قبرستان‌های کهن دوران اسلامی در شهرستان نهاوند به شمار می‌آید که مقبره امامزاده فضل نیز در آن قرار دارد؛ سنگ قبرهای قدیمی با تاریخ‌های بیش از یک سده در این قبرستان مؤید قدمت تاریخی این قبرستان است. هدف از این پژوهش تحلیل و تاریخ‌گذاری با بررسی ویژگی‌های شکلی و تزئینی و همچنین چگونگی دفن اشیاء مکشوف در قبرستان برزول است. در این راستا، پرسش‌های پژوهش را می‌توان این‌گونه طرح کرد که، اشیاء قبرستان برزول متعلق به چه دوره تاریخی است؟ و این‌که، دفن و قرارگیری این اشیاء در قبرستان مذکور با چه هدفی صورت گرفته است؟ روش پژوهش جستار حاضر به صورت مطالعه تطبیقی و به صورت تحلیلی-توصیفی است که گردآوری اطلاعات آن نیز به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت پذیرفته است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که اشیاء مکشوف از این قبرستان به صورت هدفمند دفن و براساس تاریخ‌گذاری نسبی و تطبیقی متعلق به سده‌های شش و هفت هجری قمری است؛ همچنین با توجه به کاربری این محوطه به عنوان قبرستان در طول تاریخ براساس تاریخ سنگ قبرهای موجود در قبرستان و امامزاده فضل و عدم حضور موادی فرهنگی که بتوان این محوطه را به عنوان یک محوطه استقرار قلمداد کرد، حضور اشیاء مکشوف می‌توانسته به صورت هدفمند به منظور حفظ و مصون ماندن آن از دستبرد و غارت در مواقع خطر و بحرانی و یا به احتمال کمتر جنبه خرافی بودن آن از سوی دفن‌کنندگان، قلمداد کرد.

کلیدواژگان: قبرستان برزول، سفال، مفرغ، دوران اسلامی.

مقدمه

در بین باستان‌شناسان، همواره نام نهاوند با تپه گیان و معبد لائودیسه گره خورده و شناخته می‌شود؛ اما این شهر از جمله شهرهای مهم به شمار می‌آید که شاهد نبردهای ایرانیان و تازیان در اواخر دوران ساسانی و اوایل اسلامی بوده است. از منظر جغرافیایی، اهمیت شهر نهاوند در نتیجه موقعیت این شهر به دلیل قرارگیری در مسیر راه‌های تابستانی و کریدور شمال غرب به جنوب غرب ایران از دامنه‌های جنوبی رشته‌کوه الوند و دشت‌های میانکوهی زاگرس مرکزی بوده است؛ در پس این موقعیت، شهر نهاوند اهمیت خود را از هزاره‌های پیش از میلاد تا دوران اسلامی حفظ کرده است. توجه به نهاوند از گذشته و به‌ویژه اوایل دوران اسلامی در نتیجه طبیعت مناسب، منابع آبی (به دلیل حضور سراب‌ها و رودخانه گاماسیاب) و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده است که امروزه نیز ادامه دارد. بر اساس مدارک و شواهد موجود از دوران اسلامی، شهر نهاوند به‌عنوان یک مرکز اداری، سیاسی و اقتصادی شناخته می‌شده است. کهن‌دژ یا قلعه، نشانه‌ای از اهمیت سیاسی-اداری نهاوند و بازار و مساجد جامع و محله‌های شهری نیز جایگاه اقتصادی-تجاری و مذهبی را بیان و روشن می‌نمایند. با این وصف، شواهد و مدارک نشانگر آن است که نهاوند در طول تاریخ مورد توجه جوامع مختلف بوده و استمرار و پایداری استقرار در آن برکسی پوشیده نیست (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: زارعی، ۱۳۹۲: ۳۴).

شهر «برزول» در بخش زرین‌دشت شهرستان نهاوند دارای گورستانی قدیمی است که محل دفن امامزده فضل (ابوالحسین بن موسی علیه السلام) است. گورستان برزول در جنوب غربی این شهر واقع شده که از سال‌های بسیار دور، تدفین در این محل انجام می‌شده و هنوز نیز ادامه دارد. در پی حفر گور (به ابعاد ۱٫۵×۲ متر) برای دفن متوفیان، به صورت اتفاقی با ۳۵ قطعه شیء باستانی برخورد شده است که این اتفاق توسط مدیریت اداری قبرستان و آستان مقدس امامزاده فضل، به اطلاع مسئولین میراث فرهنگی شهرستان نهاوند می‌رسد و با حضور تیم یگان حفاظت و کارشناسان امر، اشیاء ثبت و ضبط و به امین اموال اداره کل میراث فرهنگی استان همدان تحویل داده می‌شود؛ لازم به یادآوری است، با توجه به فشردگی قبرهای مختلف از گذشته تا به امروز در این محوطه، امکان کنکاش و گسترش محل دفن و کاوش بیشتر گودال برای مسئولین و کارشناسان باستان‌شناس میسر نبوده و بعد از دفن شخص متوفی، محل کشف اشیاء نیز پُر می‌شود. در بین ۳۵ شیء به دست آمده، ظروف نفیس از گونه‌های ظروف زرین‌فام و مینایی به چشم می‌خورد که در نوع خود بی‌نظیر و ضرورت معرفی و تحلیل آن ایجاب می‌گردد.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست؛ اشیاء قبرستان برزول متعلق به چه دوره تاریخی است؟ و این که دفن و قرارگیری این اشیاء در قبرستان مذکور با چه هدفی صورت گرفته است؟ با فرض دفن هدفمند اشیاء در گورهای این محوطه، به نظر می‌رسد این اشیاء به سده‌های شش و هفت هجری قمری تعلق دارند.

روش پژوهش: این پژوهش، مبتنی بر مطالعات تطبیقی و با رویکرد توصیفی-

تحلیلی اشیاء نو یافته قبرستان برزول انجام شده است؛ در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده که با بررسی مطالعات صورت گرفته بر روی گونه‌های مختلف سفالینه‌های اسلامی و با کنار هم قراردادن نتایج به دست آمده، به بررسی ۳۵ قطعه از سفال‌های مختلف دوران اسلامی قرون میانه از نوع سفال‌های زرین فام و مینایی و ظروف فلزی مفرغی و دیگر یافته‌های به دست آمده پرداخته شود و چگونگی قرابت و کنش‌های فرهنگی این ناحیه با سایر فرهنگ‌های دوران اسلامی را مورد بحث و مذاقه قرار گیرد. این پژوهش، ابتدا به گونه‌شناسی اشیاء (سفال‌ها و ظروف مفرغی) در دو بخش، گونه‌شناسی در نوع، شکل، و تزئینات به کار رفته در ساخت؛ سپس به گونه‌شناسی در فرم ظاهری و کاربرد سفال‌ها می‌پردازد. در ادامه، ابتدا، به مرور ادبیات نظری و مطالعات باستان‌شناختی مرتبط با نهاوند پرداخته شده است. بخش سوم پژوهش، به جغرافیا و جایگاه شهرستان نهاوند در دوران اسلامی اختصاص دارد؛ و در بخش چهارم به بررسی و مطالعه اشیاء مکشوف از قبرستان برزول پرداخته شده و در نهایت، بحث و تحلیل و نتیجه‌گیری نیز به ترتیب در بخش‌های پایانی ارائه می‌گردد.

پیشینه پژوهش

شهرستان نهاوند در زمره نواحی غنی از منظر باستان‌شناسی در استان همدان به شمار می‌آید؛ این شهرستان باتوجه به ویژگی‌های آن از بُعد جغرافیایی (آب، زمین، موقعیت ژئوپولوتیک و...)، در طول تاریخ همواره مورد توجه اقوام و جوامع مختلف بوده و حضور آثار و تپه‌های متعدد، خود گواهی این نکته است؛ در ادبیات باستان‌شناسی ایران، نهاوند بیشتر با آثار پیش از تاریخ (و با تپه‌هایی مانند: گیان) و آثاری از دوران تاریخی به ویژه دوران سلوکی-اشکانی (با معبد لائودیسه) شناخته شده است؛ اما این شهرستان در دوران اسلامی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و آثار مختلفی از دوران اسلامی در خود جای داده و مورد توجه حاکمان این دوره بوده و حتی با نام «ماه بصره» (بیرونی، ۱۳۷۴: ۲۰۵؛ زارعی، ۱۳۹۲: ۴۰) نیز خوانده شده است. مطالب مختلفی درباره آثار تاریخی و یافته‌های باستان‌شناختی نهاوند به رشته تحریر درآمده و در چند دهه اخیر منتشر شده، حتی و همایش‌های مختلفی نیز با محوریت مطالعات باستان‌شناختی نیز برگزار شده است.

شاید بتوان اولین اقدامات کنکاش‌های غیرعلمی باستان‌شناسی نهاوند را به دوره قاجار و کنکاش در «گور مقبره نقاره‌چی» توسط رجال دوره قاجار و طی سفر «ناصرالدین شاه» قاجار به این شهر قلمداد کرد (ر. ک. به: اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۷)؛ «محمدی‌فر» در مقاله‌ای تحت عنوان: «گاهنگاری شهرستان نهاوند براساس مدارک باستان‌شناسی» (۱۳۹۲: ۱۴-۳۳)، به صورت اجمالی به تحلیل و گاهنگاری این شهرستان مبتنی بر کاوش و یافته‌های باستان‌شناختی پرداخته است؛ همچنین «رحمانی» با پژوهشی تحت عنوان «پژوهش‌ها و مطالعات باستان‌شناسی شهرستان نهاوند» (۱۳۹۲: ۶۳-۷۰) با دیدی جامع به مرور و معرفی کنکاش‌های باستان‌شناسی این شهرستان پرداخته است؛ «زارعی» در نوشتاری تحت عنوان:

«ساختارهای شهر نهاوند، از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار براساس آثار موجود و مدارک مکتوب» (۱۳۹۲: ۳۴-۶۲)، به مطالعه آثار تاریخی و جایگاه این ناحیه در دوران اسلامی پرداخته است؛ در چند دهه اخیر، کاوش‌های باستان‌شناسی هدمند به سرپرستی «رهبر» (۱۳۸۴، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۱) در جای‌جای بافت تاریخی شهر نهاوند با محوریت محله دوخواهران و با هدف شناسایی و جایابی معبد سلوکی، انجام گرفته است؛ که ادامه کاوش‌ها توسط نگارنده اول پیگیری شده و برآیند آن، شناسایی آثار از دوران تاریخی و اسلامی با یافته‌های معماری و آثار منقولی مانند سفال بوده است (جانجان، ۱۳۹۸؛ ۱۳۹۹)؛ از مطالعاتی که به تحلیل موردی آثار دوران اسلامی شهرستان نهاوند پرداخته شده، می‌توان به مطالعه حمام‌های دوران اسلامی (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ رحمانی و ترابی، ۱۳۹۲)، پل تاریخی زرامین (جانجان و همکاران، ۱۳۹۲؛ ۱۵۴) اشاره کرد.

موقعیت جغرافیایی برزول و قبرستان آن

محدوده طبیعی شهرستان نهاوند، حوضه آبریز گاماسیاب است که مساحت آن با استفاده از دستگاه پلانی متررقومی (دیجیتالی) ۱۷۵۲/۲ کیلومتر مربع اندازه‌گیری شده است (شایان، ۱۳۷۸: ۹۰). شهرستان نهاوند با ۱۶۵۷ کیلومتر مربع وسعت، یکی از شهرستان‌های جنوبی استان همدان بوده که حدود ۸/۵٪ مساحت استان و ۱٪ مساحت کل کشور را دربر می‌گیرد (سازمان مسکن و شهرسازی استان همدان، ۱۳۷۲: ۱۵). براساس آخرین تقسیمات کشوری شهرستان نهاوند، با دو شهرستان نهاوند و فیروزان دارای دو بخش به نام‌های بخش «مرکزی» و «خزل» است که مجموعاً شامل ۷ دهستان و ۱۸۱ روستای دارای سکنه بوده و نشان‌دهنده روستایی بودن بافت محلی شهرستان می‌باشد (هول، ۱۳۸۵: ۵). فیروزان یا همان فیروزآباد، از روستاهای کهن نهاوند بوده که در مسیر راه اصلی نهاوند به کرمانشاه قرار گرفته است. فیروزان، مرکز بخش خزل شهرستان نهاوند است. این شهر پیش از سال ۱۳۷۴ روستایی به نام «فیروزآباد خزل» بوده است. فیروزان در کنار رودخانه قلقل رود و در غرب کوه قشلاق واقع شده است. رودخانه قلقل رود از فیروزان می‌گذرد و از آب‌ریزه‌های گاماسیاب به‌شمار می‌آید. فیروزان، نام یکی از امیران ایران است؛ در سال ۲۱ ه.ق.، عمر، حکومت کوفه را از «سعدبن ابی‌وقاص» گرفت و «عبدالله عطفان» را به جای وی نصب کرد. یزدگرد با آگاهی از عزل سردار نام‌آور عرب در صدد برآمد با اعراب وارد جنگ شود؛ از این رو، از همه جاهای کشور کمک خواست و لشکری انبوه مرکب از ۱۵۰ هزار نفر جمع کرد و در رأس سپاه ایران فیروزان قرار داشت... و دست‌آخر شکست خورد، دلیل نام‌گذاری شهر فیروزان همین است که محل نبرد فیروزان با لشکر اعراب است (افراسیاب‌پور، ۱۳۸۱: ۲۵).

بخش زرین‌دشت در قسمت جنوب‌غربی شهرستان نهاوند واقع شده و جمعیتی در حدود ۱۳ هزار نفر را داراست. طبق بررسی‌های باستان‌شناسی، محوطه‌های مختلفی از ادوار پیش از تاریخ، تاریخی و دوران اسلامی در این بخش شناسایی شده است. مرکز بخش، شهر برزول است. در شهرستان برزول، قبرستان کهنی قرار دارد

که محل دفن یکی از امامزادگان است (تصویر ۱). بقعه این امامزاده در ۱۲ کیلومتری شمال باختری شهر نهاوند و در میان گورستان بزرگ شهر برزول واقع شده است (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۸: ۹۸). گورستان برزول در جنوب غربی این شهر واقع شده که از سال‌های بسیار دور تدفین در این محل انجام می‌شده است که سنگ قبرهای قدیمی و با تاریخ‌های متفاوت بیش از یک سده مؤید این نکته است. در وسط این گورستان، مقبره امامزاده فضل بن موسی قرار دارد که منتسب به نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام است. اصل بنا متعلق به یک و نیم قرن پیش بوده که بر اثر آتش‌سوزی تخریب و در حدود یک دهه پیش تجدید بنا شده است. بقعه به صورت هشت ضلعی غیرمنتظم است که چهار درب در چهار جهت دارد. نسب‌شناسی وی این چنین بیان شده است: «سید ابوالفضل حسین بن ابی الحسن علی الدینوری بن موسی الثانی ابی سبحة ابن ابراهیم المرتضی بن امام موسی کاظم علیه السلام». همچنین بیان شده است که چون پدرش در کرمانشاه سکونت داشته و به «دینوی» ملقب بوده و به جهت نزدیکی نهاوند به کرمانشاه، پس امامزاده ابوالفضل حسین از آنجا به نهاوند مهاجرت نموده و در منطقه برزول سکونت داشته و چون نواده امام هفتم بوده؛ لذا «ابوالفضل حسین» به «ابوالفضل موسی» خوانده شده و کم‌کم به «فضل بن موسی» معروف شده است (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).



► تصویر ۱. نمایی از قبرستان امامزاده فضل علیه السلام برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).

اشیاء مکشوف از قبرستان برزول نهاوند

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، به صورت اتفاقی با ۳۵ قطعه شیء باستانی در حفر قبری به ابعاد ۲×۱٫۵ متر در قبرستان برزول برخورد شده است که در دو بخش اصلی سفال و فلز قابل تقسیم‌بندی هستند؛ بخش اصلی را سفال تشکیل داده است که عبارتند از: پنج‌گونه سفال ساده بدون لعاب، شش‌گونه سفال لعاب دار تک‌رنگ فیروزه‌ای، چهارگونه سفال زربین فام، دوگونه سفال مینایی چندرنگ؛ و بخش دوم را اشیاء فلزی تشکیل داده است که عبارتند از: سه پی‌سوز مفرغی، چهارگونه ظروف

آبریز (پارچ) مفرغی، سه کاسه مفرغی، دو شیء استوانه‌ای مفرغی (احتمالاً دستبند)، یک مجسمه شیر، دستگیره مفرغی، و بخش فوقانی یک تنگ مفرغی و قطعات شکسته‌ای که احتمالاً در حین کندوکاو شکسته و از بخش‌های مختلف ظروف مفرغی جدا شده‌اند که نیازمند مرمت و مطالعات بیشتر است.

ظروف سفالی

با نگاهی جامع، سفال‌های مکشوف از قبرستان برزول را می‌توان در دو گروه اصلی بدون لعاب و لعاب‌دار دسته‌بندی کرد که هر دوگونه، در برخی موارد ساده و برخی دیگر منقوش هستند. این سفال‌ها به روش‌های مختلف تزئین شده‌اند که عبارتند از: نقش‌کنده و افزوده و نقاشی روی لعاب از گونه‌های نقوش: هندسی، گیاهی، انسانی، جانوری و کتیبه‌های کوفی؛ با اشکالی از سفال‌هایی مانند: دیگچه، کوزه، پارچ، کاسه و بشقاب است (بنگرید به ادامه).

الف) سفال‌های ساده و بدون لعاب: سفال‌های ساده از خاک رس ساخته شده که عمدتاً بدون نقش و از نظر شکل و کاربری بیشتر در قالب دیگچه و کاسه هستند. ب) سفال‌های لعاب‌دار: که خود به سه گونه انواع سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ، زرین‌فام، و مینایی تقسیم می‌شوند؛ این مجموعه سفال‌ها نیز از نظر فرم و کاربری در قالب انواع شکل: کاسه، بشقاب، کوزه، پارچ و تکوک قرار دارند.

الف) سفال‌های ساده و بدون لعاب

سفال‌های ساده مکشوف از قبرستان برزول، از منظر شکل و تزئین کمابیش شیوه سفالگری دوره ساسانی را تداعی می‌کنند؛ از این گونه سفالی، پنج نمونه سفال به دست آمده است که از منظر گونه‌شناسی کاربری، چهارگونه از نوع دیگچه‌های کوچک دسته‌دار (افقی و عمودی)، (تصاویر ۲ تا ۵) و یک نمونه کاسه بدون دسته (تصویر ۶) است. مجموع این سفال‌ها با کمترین نوع تزئین و با چند خط دال‌بری‌کننده در شانه ظروف و در یک مورد نقش افزوده طنابی بر روی لبه را نشان می‌دهد؛ سفال‌های ساده، دست‌ساز بوده و کیفیت ساخت بالایی ندارند. سفال‌های ساده بدون نقش و از نظر شکل و کاربری بیشتر در قالب دیگچه و کاسه با طیفی از انواع رنگ‌های نخودی با پوشش گلی غلیظ و با آمیزه کانی (شن‌ریزه) هستند؛ نمونه سفال‌های ساده مکشوف از قبرستان برزول قابل مقایسه با نمونه سفال‌های ساده مکشوف از تپه هگمتانه (هژبری، ۱۳۸۹: ۳۶۴)، تپه بان و تپه نصرآباد کبودرآهنگ (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶: ۳۳۱ و ۲۲۲)، قروه سنندج (شریفی و زارعی، ۱۴۰۰: ۲۰۲؛ تصویر ۱۲)، محله دوخواهران (لائودیسه) نهاوند (رهبر، ۱۳۹۱ الف) است.

ب) سفال‌های لعاب‌دار

سفال‌های لعاب‌دار قبرستان برزول را انواع ظرف لعاب‌دار با رنگ‌های گوناگون: تک‌رنگ فیروزه‌ای، زرین‌فام و مینایی تشکیل داده‌اند که در ادامه با توجه به اهمیت و ویژگی‌های آن، به معرفی و تحلیل هر یک به صورت جداگانه، پرداخته می‌شود.



► تصویر ۲. دیگچه سفالی ساده با نقش دال‌بری کنده بر روی شانه و دارای دو دسته در لبه ظرف (نگارندگان، ۱۴۰۰).



► تصویر ۳. دیگچه سفالی ساده با نقش افزوده طنابی دارای دو دسته در لبه (نگارندگان، ۱۴۰۰).

۱) سفال لعابدار تک‌رنگ (آبی فیروزه‌ای): گونه سفال‌های لعابدار تک‌رنگ قبرستان برزول را انواع کوزه و پارچ با هدف نگه‌داری مواد مایع و یک بشقاب تشکیل داده‌اند؛ در این بین، دو کوزه دسته‌دار که یک نمونه آن دارای تزئینات طنابی در شانه ظرف (تصویر ۷) و دیگری دارای نقش هندسی مدور (تصویر ۸) است که نمونه‌های مشابه آن از قرن ششم هجری قمری شناخته می‌شوند (توحیدی، ۱۳۸۲:



تصویر ۴. دیگچه سفالی ساده بدون نقش با سه دسته بر روی شانه ظرف (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀



تصویر ۵. دیگچه سفالی ساده بدون نقش دارای دو دسته عمودی بر روی شانه ظرف (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀



تصویر ۶. کاسه سفالی ساده با خطوط دال‌بری شده در لبه ظرف (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀



► تصویر ۷. کوزه با لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای منقوش با نقش طنابی افزوده (نگارندگان، ۱۴۰۰).



► تصویر ۸. کوزه با لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای (نگارندگان، ۱۴۰۰).

(۳۲۱)؛ گونه دوم، یک پارچ دسته‌دار با نقش هندسی مدور (تصویر ۹) در شانه ظرف است که در بخش لبه دارای شکستگی است که نمونه‌های مشابه آن در قرن ششم هجری قمری از گرگان به دست آمده است (توحیدی، ۱۳۸۲: ۳۲۵؛ تصویر ۹-۲۵). گونه سوم، خمره کوچک با چهار دسته و با نقش کتیبه مهرزده در شانه ظرف است (تصویر ۱۰) که یک دسته آن نیز شکسته است. گونه پنجم، سفال لعابدار تک‌رنگ آبی فیروزه‌ایی، یک بشقاب عمیق را تشکیل داده است (تصویر ۱۱)؛ نمونه‌های سفال لعابدار تک‌رنگ (آبی فیروزه‌ایی) قبرستان برزول به صورت شکسته از: تپه

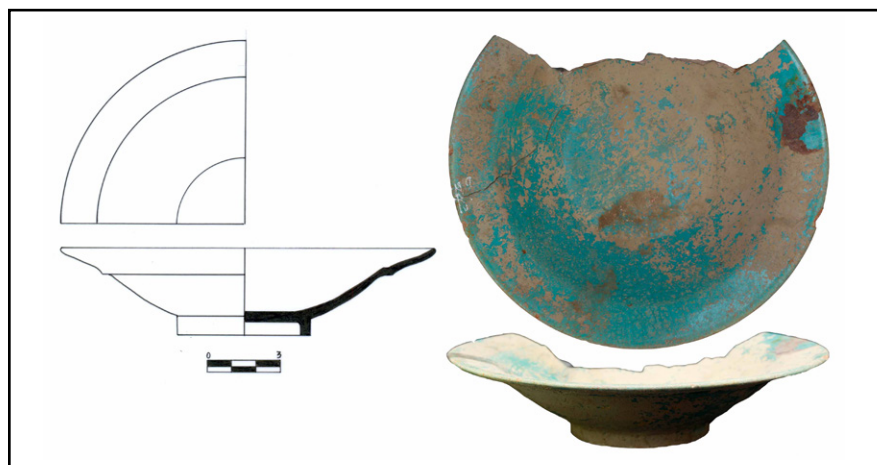


تصویر ۹. پارچ دسته‌دار با لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀



تصویر ۱۰. خمره کوچک با لعاب تک‌رنگ خمیره سنی، دارای نقش کتیبه مهرزده روی شانه ظرف (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀

هگمتانه (هژبری، ۱۳۸۹: ۵۵۰)، لائودیسه (رهبر، ۱۳۹۱ الف: ۲۶۳)، تپه زینوآباد دشت بهار (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۴)، کاخ ناتمام بیستون (رهبر، ۱۳۹۱ ب: ۱۰۲)، بررسی‌های سطحی قروه سنندج (شریفی و زارعی، ۱۴۰۰: ۱۹۵؛ تصویر ۴: شماره ۱۳) و سایر نقاط ایران (کامبخش‌فرد؛ ۱۳۸۶: ۱۵۴ و ۱۵۸) به دست آمده است. نمونه‌های سالم سفال لعابدار فیروزه‌ای با خمیره سنگی متعلق به سده ششم هجری قمری و قابل مقایسه با نمونه‌های مشابه سفال‌های قبرستان برزول در حفاری قاچاق از نهاوند (امینی، ۱۳۹۹: ۴۷۰، ۴۷۳ و ۴۷۴) و نمونه‌های مشابه از دیگر نقاط ایران (کیانی، ۱۳۸۰: ۲۲۲-۲۲۳، ۱۴، ۲۶۴-۲۶۵، ۲۷۸، No. 7, 14, 264-265, 278, No. 7, 14) متعلق به سده‌های شش و هفت هجری قمری، به دست آمده است.



► تصویر ۱۱. بشقاب لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای (نگارندگان، ۱۴۰۰).

۲) سفال لعابدار نقاشی زیر لعاب فیروزه‌ای شفاف (تکوک): در بین مجموعه مکشوف از قبرستان برزول، یک نمونه سفال از گونه سفال‌های جانورسان (تکوک / ریتون) منقوش با خمیره سنگی به دست آمده است؛ این تکوک، مجسمه‌ای از یک حیوان شبیه گاو ساخته شده که دارای دو سوراخ، یکی در قسمت فوقانی و پشت حیوان و دیگری در بخش پوزه و دهان آن قرار دارد؛ نقوش به رنگ سیاه روی زمینه سفید قلعی نقاشی شده و سپس لعاب فیروزه‌ای شفاف، روی آن را پوشانده است (تصویر ۱۲). از نمونه سفال‌های سفال لعابدار نقاشی زیر لعاب فیروزه‌ای در جای‌جای استان همدان از محوطه‌هایی مانند: زینوآباد بهار (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵؛ جدول ۸)، مجموعه دستکند ارزانفود (خاکسار، ۱۳۹۰ الف: ۲۳۹)، هگمتانه (هژبری، ۱۳۸۹: ۲۳۷)، درگزین (زارعی، ۱۳۹۹: ۲۰۰)، و همچنین کاوش معبد لائودیسه (رهبر، ۱۳۹۱ الف: ۲۶۳) به دست آمده و قابل مقایسه با نمونه‌های سفالی همجوار مانند: قروه سنندج (شریفی و زارعی، ۱۴۰۰: ۱۹۸؛ تصویر ۷: شماره ۳ تا ۵) و دیگر نقاط ایران (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶؛ تصویر ۱۹۹) به دست آمده است؛ همچنین نمونه مشابه این تکوک را از قرن شش و هفت هجری قمری، «کریمی» و «کیانی» (۱۳۶۴: طرح ۲۱) معرفی کرده‌اند؛ نمونه‌های تکوک در قالب شکل حیوان (شیر) از جنس زرین‌فام در سده ششم هجری قمری از کاشان نیز به دست آمده که در موزه آبگینه نگه‌داری می‌شود (توحیدی، ۱۳۸۲: ۳۸۰؛ تصویر ۷).



▲ تصویر ۱۲. تکوک منقوش با روش نقاشی زیرلعاب فیروزه‌ای نقاشی سیاه زیرلعاب فیروزه‌ای شفاف (نگارندگان، ۱۴۰۰).

۳) سفال زرین فام: می‌دانیم که ظروف سفالین زرین فام، از منظر ادوار تاریخی، دارای سه گونه زرین فام اولیه، زرین فام میانی و زرین فام قرون متأخر است که از منظر نوع رنگ، نقش و کیفیت ساخت، قابل تقسیم‌بندی هستند؛ زرین فام اولیه به صورت طلایی تک‌رنگ با نقوش ساده هندسی و گیاهی ساخته شده‌اند که در ادامه با کمی تحول، خطوط کتیبه کوفی در زمینه سفید و شیری بدان اضافه شده است؛ زرین فام قرون میانی که در بازه زمانی سلجوقی و ایلخانی ساخته شده است، آغاز تحولی جدید در ساخت این گونه سفالی به شمار می‌آید؛ در این دوره، نقوش انسانی به تزئینات پیشین افزوده شده و سفال‌ها با کیفیت‌تر و از منظر نقش‌پردازی و هم‌زمان چندرنگ اضافه شده است؛ اما زرین فام دوره متأخر که اوج آن در دوره صفوی است، ساخت این گونه سفالی به اوج خود رسیده و با کیفیت‌ترین سفال‌های زرین فام در بخش رنگ، نقش و گونه‌های مختلف ظروف از این دوره به جا مانده است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۷-۴۸).

در بین سفال‌های مکشوف از قبرستان برزول، چهار نمونه سفال‌های زرین فام، از نوع ساده طلایی و قرمز بر روی زمینه سفید-شیری با نقوش هندسی، گیاهی، انسانی و کتیبه از نوع ظروف کاسه قرار دارد (تصاویر ۱۳ تا ۱۶)؛ در این باره «پوپ» (Pope, 1977: 1488) معتقد است که زرین فام طلایی (تک‌رنگ) نخستین گونه زرین فام است که توسعه پیدا کرده است. غالب این گونه سفال‌ها، سفال «زرین فام» نامیده می‌شوند که «واتسون» نیز بیشتر آن‌ها را متعلق به قرون شش و هفت هجری قمری می‌داند (واتسون، ۱۳۸۲: ۲۳۷) و به طور کلی به دو گروه تک‌رنگ و چندرنگ دسته‌بندی می‌شوند. شکل بیشتر این سفال‌ها در قالب بشقاب و کاسه است. نقش‌های به‌کاررفته در تزئین این سفال‌نگاره‌های انسانی و جانوری، گیاهی و کتیبه است (برای نمونه ر. ک. به: Fehervari, 1973: pl 28 c). پیش‌تر، نمونه‌های دیگری مشابه سفال‌های زرین فام‌های مکشوف از قبرستان برزول، از حفاری قاچاق شهرستان نهاوند از نوع سفال زرین فام با خمیره سنگی (بانقش سه زن نشسته تصویر شده در وسط بشقاب و در لبه نیز دو ردیف کتیبه به خط رقاع، نوشته شده، متعلق به اواخر سده ششم اوایل سده هفتم هجری قمری به دست آمده است (امینی، ۱۳۹۹: ۴۸۷)؛ همچنین از امامزاده زبیده‌خاتون (همان: ۴۸۶ و



► تصویر ۱۳. کاسه پایه‌دار زرین‌فام طلایی منقوش تک‌رنگ بر روی زمینه سفید (نگارندگان، ۱۴۰۰).

(۴۸۵) و زینوآباد بهار (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۷)، نیز نمونه‌های شکسته این نوع سفال شناسایی شده است؛ این گونه سفالی قابل مقایسه با نمونه سفال‌های زرین‌فام با زمینه سفید و شیرری دوره سلجوقی (سده ششم هجری قمری)، (تصویر ۱۷)، (Fehervari, 1973: pl 28 c; Sarre, 1937: fig. 2)، (واتسون، ۱۳۸۲: ش. ۲۳؛ کامبخش‌فرد؛ ۱۳۸۶: ۱۷۸ و ۱۸۸؛ کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: طرح ۴۰) است.

۴) سفال مینایی: سفالگران دوران سلجوقی و خوارزمشاهی پس از موفقیت در ساخت ظروف سفالین مختلف، نوعی سفالینه تولید کرده‌اند که در میان متخصصان هنر اسلامی به نام‌های گوناگون مانند: نقاشی روی لعاب، هفت‌رنگ یا مینایی معروف شده است. این نوع سفالینه که نقاشی آن قابل مقایسه با مینیاتورهای نسخ خطی هم‌دوره خود بوده است، از زیباترین سفالینه‌های دوران اسلامی به شمار می‌آید؛ این نوع سفال در دو دوره تکامل و شکل گرفته است؛ دوره اول مقارن با قرن ششم هجری قمری که با تزئین سفالینه مینایی شامل: نقوش هندسی گل و گیاه بوده که عموماً تمامی سطح داخل ظرف را می‌پوشانده است. در دوره دوم که متعلق



تصویر ۱۴. سفال کاسه پایه‌دار زرین‌فام طلائی
تک‌رنگ بر روی زمینه سفید (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀



تصویر ۱۵. سفال کاسه زرین‌فام طلائی تک‌رنگ
بر روی زمینه سفید (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀



► تصویر ۱۶. سفال کاسه پایه‌دار زرین‌فام
طلایی تکرنگ بر روی زمینه سفید (نگارندگان،
۱۴۰۰).



► تصویر ۱۷. نمونه‌های ظروف زرین‌فام
مکشوف از شهرری (محل نگه‌داری موزه
بروکلین، آرشیو شخصی: حسین صدیقیان).

به دوران خوارزمشاهی و اوایل ایلخانی است، به تدریج نقوش انسانی و حیوانی به نقش‌های قبلی افزوده شده است. در مورد ساخت ظروف مینایی شهرهای کاشان، ساوه، نطنز، و سلطان‌آباد معرفی شده است. پوپ، شهری را یکی از مراکز عمده ساخت ظروف مینای معرفی می‌کند (ر. ک. به: Pope, 1936)؛ «اتینگهاوزن» معتقد است که حومه سلطان‌آباد (اراک فعلی) را باید یکی از مراکز ساخت ظروف مینایی دانست (ر. ک. به: Ettinghausen, 1936). ساخت ظروف مینایی به اوایل قرن هفتم هجری قمری منسوب می‌شود (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۵۴ و ۵۵). در رساله «ابوالقاسم کاشانی» (۱۳۴۵) از این نوع سفال به عنوان «هفت‌رنگ» یاد شده است، اما امروزه بیشتر به نام «مینایی» شهرت دارد؛ به طور کلی چند دیدگاه در مورد مراکز ساخت این سفال مطرح است؛ برخی فقط کاشان را تنها مرکز ساخت این سفال می‌دانند (ر. ک. به: Fehervari, 2000) و برخی نیز از سه مرکز ری، کاشان و ساوه نام می‌برند (Pope, 1977؛ کاتلی و هامبی، ۱۳۷۶: ۳۳). دیدگاه گروه دیگر، نیز بر این است که این سفال‌ها در دو مرکز ری و کاشان تولید شده‌اند (Hall, 1934: 5). دیماند، ۱۳۷۵: ۱۸۳-۱۸۶؛ برای اطلاع بیشتر در این باره ر. ک. به: امینی، ۱۳۹۹). در این نوع سفال، لعاب‌های زمینه، بیشتر سفید یا کرم رنگ بوده؛ اما گاهی از رنگ فیروزه‌ای و آبی نیز استفاده شده است. رنگ‌های به‌کار رفته در تزئین نیز عبارتند از: سبز، قهوه‌ای، آبی، سیاه، قرمز، ارغوانی، سفید و گاهی زرد. در برخی از نمونه‌ها، بخش‌هایی از طرح را با استفاده از ورقه‌های طلا، زراندود کرده‌اند. نقوش این گونه سفال‌ها، متنوع و گاهی دارای روایت‌گونه و فضای تصویرسازی شده از شکار، سوارکار است. در بین سفال‌های مکشوف از قبرستان برزول دو سفال مینایی به دست آمده است؛ نمونه اول کاسه‌ای پایه‌دار است (تصویر ۱۸) که بخش داخلی سفال با نقوش گیاهی و هندسی تزئین شده و بیرون آن دارای کتیبه است که نمونه مشابه آن از شهر ری نیز به دست آمده و در موزه بروکلین (Brooklyn Museum) نگه‌داری می‌شود (تصویر ۱۹)؛ نمونه دوم، کاسه‌ای پایه‌دار است که بخش داخلی سفال با نقوش گیاهی و هندسی، انسانی و حیوانی تزئین شده و بیرون آن دارای کتیبه است (تصویر ۲۰) و نمونه‌های مشابه این نوع سفال نیز از شهر ری به دست آمده است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: تصاویر ۷۳ تا ۷۵؛ کامبخش فرد؛ ۱۳۸۶: تصویر ۱۸۲).

۲. ظروف و اشیاء مفرغی

پی‌سوزها: یکی از نخستین انواع لوازم روشنایی به‌کاررفته در ایران «پیه‌سوزها» هستند. با این‌که معلوم نیست طرح اولیه این چراغ‌های باستانی در چه زمانی و چگونه شکل گرفته است، ساختار نهایی آن‌ها بسی پیش از آغاز دوره تاریخی ایجاد و تثبیت شده است. طی دوره تاریخی، هرچند ساختار اصلی این چراغ‌ها تغییری نکرده، اما فرم آن‌ها دست‌خوش تحولات متعددی شده است (رضازاده، ۱۳۹۹: ۱۱۵). پی‌سوزها دارای گونه‌های مختلف فلزی و سفالی و دارای شعله‌های مختلف از یک تا چندین شعله در یک یا چند طبقه است؛ «رضازاده» (۱۳۹۹) در پژوهش خود، مهم‌ترین پیه‌سوزهای سفالی دوران تاریخی ایران را در پنج‌گونه اصلی و



► تصویر ۱۸. کاسه پایه‌دار مینایی منقوش و کتیبه‌دار (نگارندگان، ۱۴۰۰).



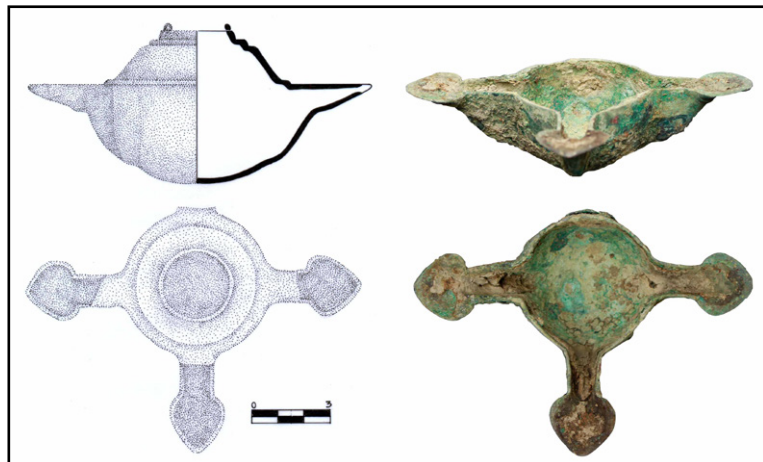
► تصویر ۱۹. کاسه پایه‌دار مینایی منقوش مکشوف از شهری (محل نگه‌داری موزه بروکلین، آرشیو شخصی: حسین صدیقیان).



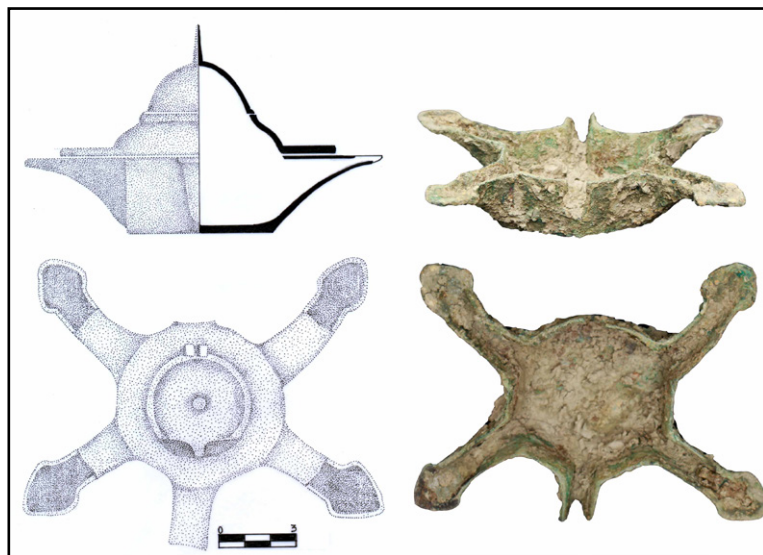
تصویر ۲۰. کاسه پایه‌دار مینایی منقوش و کتیبه‌دار (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀

اساسی‌ترین تغییرات پیه‌سوزهای مفرغی را نیز در سه گونه عمده دسته‌بندی کرده است؛ اما آن‌چه که مشخص است، پی‌سوزها در دوران اسلامی نیز با همان شکل و شمایل، ولی با تنوع و گونه‌های بیشتری هم از لحاظ جنس و هم از لحاظ فرم برخوردار هستند که در این میان فراوانی نمونه‌های سفالی آن بیشتر از پی‌سوزهای فلزی بوده است. نمونه پی‌سوزهای مکشوف از قبرستان برزول، سه نمونه و از گونه چهارشعله دو بخشی و دارای درب است که به روش ریخته در قالب ساخته شده‌اند (تصاویر ۲۱ تا ۲۳)؛ نمونه‌های این نوع پی‌سوز در پی حفاری قاچاق از نهاوند به دست آمده است که در موزه هگمتانه نگه‌داری می‌شود و بیشتر شباهت آن با نمونه‌های تاریخی است. نمونه‌های مشابه پی‌سوزهای برزول در دوران اسلامی از کاوش‌های نیشابور نیز به دست آمده است (شریفان و ده‌پهلوان، ۱۳۸۷: ۴۱).

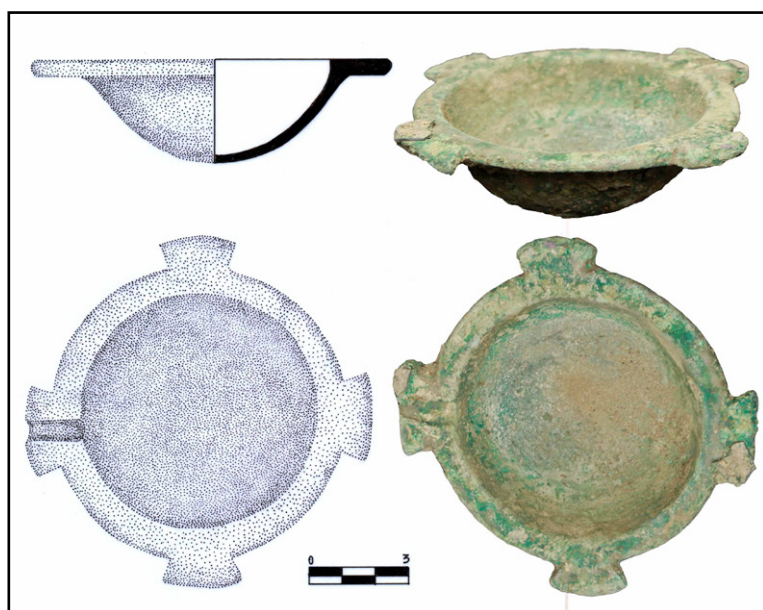
ابریق و تنگ آب: در میان ظروف مفرغی قبرستان برزول، چهار تنگ و ابریق قرار دارند که براساس ریخت‌شناسی، به روش ریخته در قالب ساخته شده‌اند (تصاویر ۲۴ تا ۲۷)؛ نمونه اول، متعلق به یک ابریق با بدنه کروی دسته‌دار چسبیده به



► تصویر ۲۱. پی‌سوز مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).

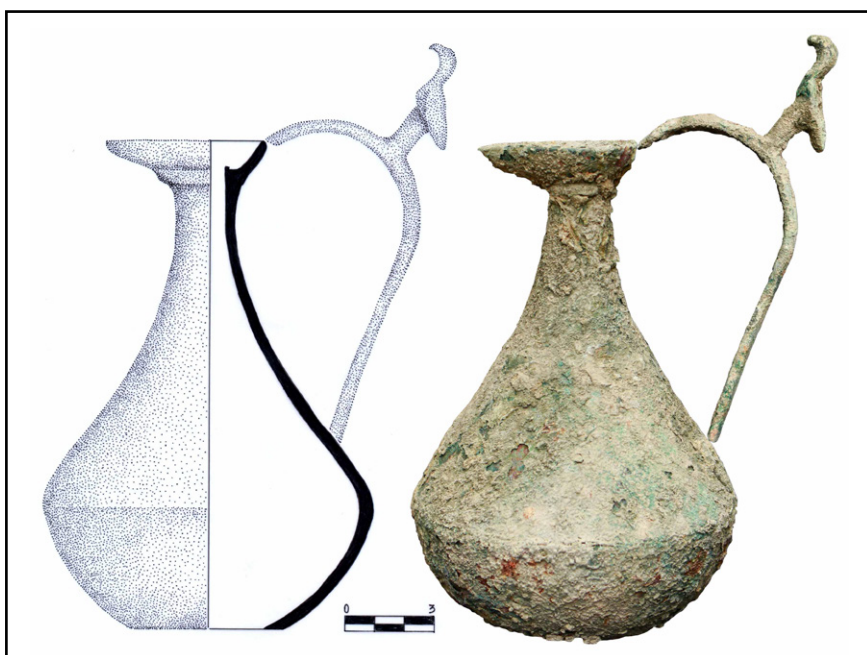


► تصویر ۲۲. پی‌سوز مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).



► تصویر ۲۳. پی‌سوز مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).

لبه آبریز است که در قسمت فوقانی دسته، یک پرندۀ قرار دارد (تصویر ۲۴)؛ نمونۀ این ابریق با نقش پرندۀ (کبوتر) از محوطۀ رباط شرف با تاریخ‌گذاری قرن ششم هجری قمری به دست آمده است (فهررواری و کیانی، ۱۳۶۰: ۹۲ و ۹۳؛ تصاویر ۱۱ و ۱۲)؛ نمونۀ دوم، متعلق به یک تنگ با بدنۀ گلابی شکل بدون دسته و لبۀ به بیرون برگشته است که به روش ریخته در قالب در بدنه و لبۀ آن نقوش برجسته تزئین شده است (تصویر ۲۵).



تصویر ۲۴. ابریق مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).



تصویر ۲۵. تنگ مفرغی با بدنۀ گلابی شکل مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).

نمونه سوم، تنگ با بدنه کروی و گردن استوانه‌ای با لبه برگشته به بیرون است (تصویر ۲۶)، نمونه مشابه این تنگ از نیشابور و متعلق به قرن ششم هجری قمریه دست آمده است (شریفان و ده‌پهلوان، ۱۳۸۷: ۴۳). نمونه چهارم نیز متعلق به تنگی با بدنه هرمی شکل و دارای گردنی کوتاه با لبه برگشته به بیرون است (تصویر ۲۷)؛ این تنگ نیز به مانند سایر نمونه‌ها بدون تزئین خاص و فقط سه دایره کنده (دال‌بری شده) بر روی بدنه دارد.

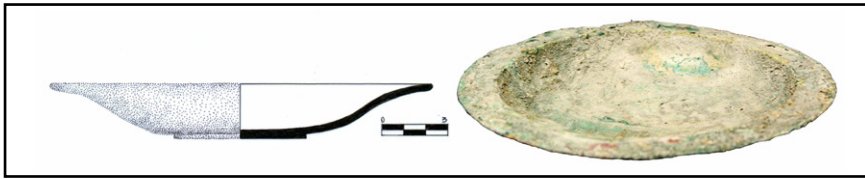


► تصویر ۲۶. تنگ مفرغی با بدنه کروی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).



► تصویر ۲۷. تنگ مفرغی با بدنه هرمی شکل مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).

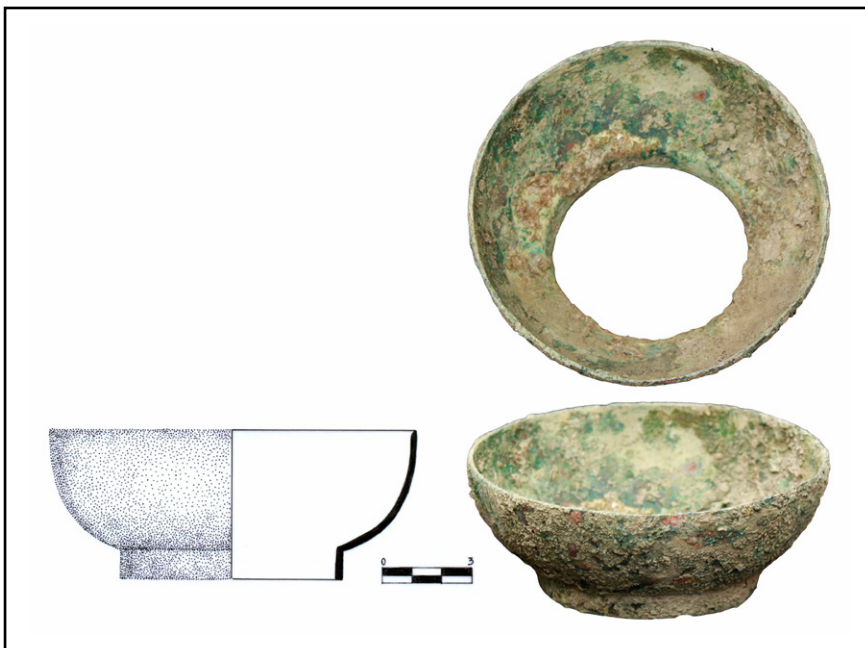
کاسه: در بین یافته‌های فلزی قبرستان برزول، سه گونه مختلف کاسه به چشم می‌خورد (تصاویر ۲۸ تا ۳۰)؛ این کاسه‌ها، ساده و با بدنه کروی ساخته شده‌اند و تزئین خاصی بر روی آن‌ها به چشم نمی‌خورد. نمونه‌های مشابه این کاسه‌ها در سده‌های میانی دوران اسلامی از محوطه رباط شرف (به صورت منقوش و دارای تزئین) به دست آمده که توسط «فهروری» و «کیانی» (۱۳۶۰: ۷۴؛ تصاویر ۲۵ و ۲۶) معرفی و تحلیل شده‌اند.



تصویر ۲۸. کاسه مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀



تصویر ۲۹. کاسه مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀



تصویر ۳۰. کاسه (؟) مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰). ◀

سایر اشیاء: از اشیاء مختلف فلزی مکشوف از قبرستان برزول می‌توان به دو شیء استوانه‌ای (دستبند؟) اشاره کرد که نمونه اول (تصویر ۳۱) به صورت یکپارچه و ریخته در قالب از جنس مفرغ است که بر روی بدنه آن نقوش هندسی کنده دال بری وجود دارد؛ نمونه دوم (تصویر ۳۲)، از جنس آهن و به صورت استوانه مشبک ساخته شده است. از دیگر اشیاء فلزی می‌توان به آبریز مفرغی اشاره کرد (تصویر

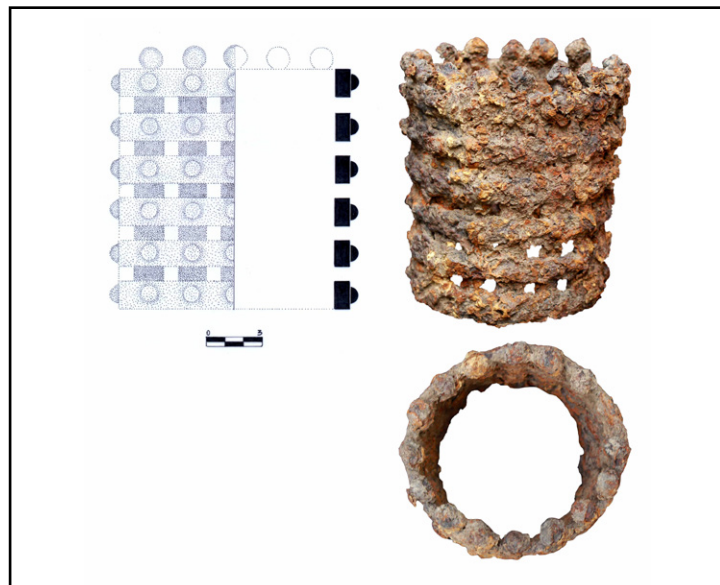
► تصویر ۳۱. شیء استوانه‌ای (دستبند؟) مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).



► تصویر ۳۲. شیء استوانه‌ای مشبک (دستبند؟) آهنی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).

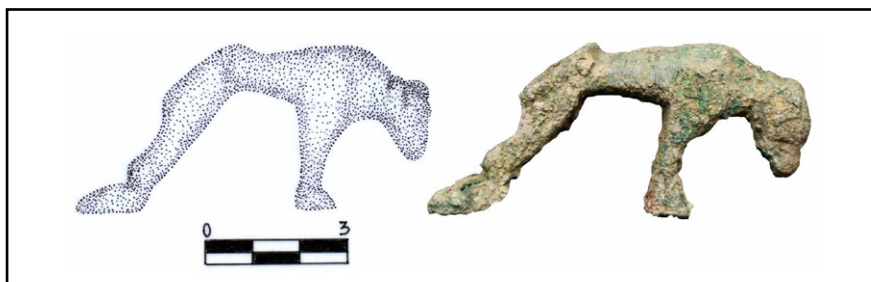


▲ تصویر ۳۳. بخش از آبریز مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).



▲ تصویر ۳۴. دستگیره مفرغی مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).

۳۳) که قالب و هیبت یک پرنده به صورت ریخته در قالب ساخته شده که گویا بخش فوقانی و یک تنگ یا ابریق دسته‌دار با توجه به سوراخ قرار گرفته در قسمت فوقانی آن برای قرارگیری دستگیره بوده است؛ لازم به یادآوری است در بین اشیاء فلزی، یک دست‌گیره فلزی جدا شده (تصویر ۳۴) و یک گردن استوانه‌ای ابریق یا تنگ نیز قرار دارند که می‌تواند بخش‌های مشترک جدا شده یک ظرف بوده باشند. از دیگر اشیاء شاخص مفرغی مکشوف از قبرستان برزول، مجسمه یک شیر ماده است (تصویر ۳۵) که براساس نمونه‌های مفرغی مکشوف از همدان و موجود در موزه هگمتانه؛ همچنین سفال‌های زرین فام مکشوف از شهرری موجود در موزه بروکلین (ر. ک. به: تصویر ۱۷)، احتمالاً این شیر نیز به عنوان بخش تزئینی ظروف یا پی‌سوزهای مفرغی باشد که از جای اصل خود جدا شده و با توجه با رسوب و آسیب‌های مختلف وارده به مجسمه شیر مذکور و سایر ظروف مفرغی، نمی‌توان به درستی تشخیص داد که این شیر متعلق به چه ظرفی بوده است.



تصویر ۳۵. ماده شیر مفرغی (احتمالاً دستگیره ظرف) مکشوف از قبرستان برزول نهاوند (نگارندگان، ۱۴۰۰).

بحث و تحلیل

در متون اسلامی، بارها به نام نهاوند به طرق مختلف و از ویژگی‌های آن، صحبت به میان آمده است که به صورت مصداق می‌توان به نوشته‌های «یاقوت حموی» (۱۳۶۲)؛ «ابن خردادبه» (۱۳۷۱)؛ «مستوفی» (۱۳۸۱) اشاره کرد که به موقعیت و ویژگی جغرافیای این شهر اشاره داشته‌اند که نشان از اهمیت این شهر در دوران اسلامی بوده است (برای اطلاع بیشتر در این باره ر. ک. به: زارعی، ۱۳۹۲: ۷۳-۹۰)؛ تا جایی که «اصطخری» از ویژگی‌های شهری نهاوند با جزئیات بیشتری (در قرن پنجم و ششم هجری قمری) صحبت کرده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۶۵). بنابراین، شهر نهاوند در دوران اسلامی، به مانند دوران تاریخی (سلوکی، اشکانی، و ساسانی) شکوه و حیات خود را حفظ کرده است و بازتاب عینی آن را می‌توان در یافته‌های باستان‌شناسی محله دوخواهران نهاوند مشاهده کرد که براساس کاوش‌های مختلف صورت گرفته، یافته‌های متعددی اعم از: معماری (از گونه حمام و فضاهای مسکونی) با عناصری مانند: ستون‌های سنگی، آجرهای لعابدار، سکه، سفال و کاشی دوران اسلامی اشاره کرد (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: رهبر، ۱۳۸۰: ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۱؛ جانجان، ۱۳۹۸؛ ۱۳۹۹). به این اطلاعات و دانسته‌های تاریخی، باید موارد دیگری مانند یافته‌های شاخص حفاری‌های غیرمجاز و تصادفی، مانند مجموعه اشیاء قبرستان برزول را نیز افزود.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، اشیاء مذکور به صورت تصادفی از قبرستان قدیمی برزول به دست آمده است؛ این قبرستان بیش از هزار قبر به همراه مقبره امامزاده فضل علیه السلام را در خود جای داده است؛ با توجه به زمین‌ریخت این قبرستان و هم‌سطح بودن آن با زمین‌های اطراف، نمی‌توان محوطه استقرار برای این محوطه متصور بود؛ همچنین با توجه به حجم تعداد قبور و حفر گودال در جای جای این محوطه در سطح گسترده و عدم گزارش دست‌اندرکاران و متولیان آستان مقدس امامزاده فضل علیه السلام در پی بازسازی مقبره در سالیان اخیر، مبنی بر به دست نیامدن آثار فرهنگی (اعم از: معماری، سفال) گواه و مهر تأییدی است بر محوطه استقرار نبودن آن. گفتنی است، براساس ویژگی‌های معماری شهرسازی در دوران اسلامی و حضور گورستان‌ها در خارج از بافت مسکونی، نباید این محوطه را جزو محوطه‌های استقرار برشمرد و همان کاربری قبرستان در طول ادوار اسلامی بر این محوطه صادق خواهد بود؛ با این وصف، و با پنداشت این محوطه به عنوان قبرستان، این پرسش مطرح خواهد شد که دلیل حضور ۳۵ قطعه شیء باستانی متعلق به سده‌های میانه اسلامی در یک محوطه با کاربری قبرستان چیست؛ نیک

می‌دانیم که در سرزمین‌های اسلامی با توجه به مشخص بودن آئین دفن و کفن متوفیان براساس دستورات عمل‌های مذهبی، قراردادن اشیاء و هدایا در کنار فرد متوفی، آن‌هم از نوع هدایای گورنهادهای دوران پیش‌ازتاریخ (انواع ظروف و اشیاء دیگر)، منسوخ و مغایر با دستورات دینی است.

اما در مورد دفن اشیاء به‌عنوان گورنهاد در گورستان‌های دوران اسلامی استثناهایی نیز وجود دارد، در این باره می‌توان در تمامی قسمت‌های جهان به مواردی اشاره کرد؛ به‌عنوان مثال، از قبیل گذاردن اشیای تدفینی در مدفن‌های اسلامی، که تاریخ آن‌ها بین نیمه قرن چهاردهم تا اوایل قرن هجدهم میلادی و در «وُهِیر» در شمال شرقی ساحل ماداگاسکار بود و به‌ندرت بیشتر در فلسطین قبور مشترک در فلسطین و منطقه پونیال در پاکستان مورد استفاده بوده است. «بورکه‌هارت» ثبت می‌کند، این رسم برخی از بدویان ایالت‌های شرقی مصر بوده که با مرد متوفی شمشیر، عمامه و ساج فلزی وی را دفن کنند؛ در «کسیمه» (مصر) پیراهن، سربند، چپق، عصای شتربانی و کلاه مرد متوفی همگی به‌عنوان پیشکش روی قبر، به‌جای داخل آن، قرار می‌گرفتند (اینسول، ۱۳۹۸: ۱۶۵). آن‌چه که در تدفین‌های اسلامی باب بوده و هست، گاهی در کنار متوفیان این دوره، به‌صورت متبرک شده و اعتقادات خاص مذهبی، عناصری مانند: تربت کربلا، ادعیه، مهر و مواردی از این دست همراه شخص متوفی قرار داده می‌شود.

گاهی نقل می‌شود که در گذشته به‌هنگام هجوم و جنگ‌های پیش‌آمده در دوران اسلامی و حتی در قرون متأخر اسلامی، برخی به جهت در امان ماندن دارایی‌های خود، آن‌را دفن می‌کردند تا از غارت خصم مصون بمانند؛ در این بین چه‌جایی بهتر از محوطه‌هایی مانند «امامزاده» برای دفن و حفظ دارایی افرادی با چنین دیدگاهی، که کمترین حدس و گمان و یا دستبرد با توجه به شأن و منزلت اعتقادی آن، را دارا باشند. به‌طور مصداق می‌توان به مقبره‌ای با عنوان امامزاده در روستای «روعان» از توابع شهرستان کبودرآهنگ همدان اشاره کرد که در آن مقبره‌ای تحت‌عنوان «قوجا پیر عبدالله» اشاره داشت که دارای یک بارگاه خستی ساده بدون هیچ سنگ قبری بود که گاهی برخی از اهالی روستا به زیارت آن می‌رفتند؛ اما بارها از کهنسالان نقل می‌شد که این مقبره بدون هیچ پیشینه تاریخی نسبی و شجره‌نامه بوده و نمی‌توان آن‌را تحت عنوان امامزاده معرفی کرد و حتی گاهی نیز به این نکته اشاره می‌شد که این محل در گذشته محل دفن اشیاء قیمتی اهالی روستا به‌مانند حمله عثمانی‌ها به همدان بوده است؛ و براساس اعتقاد به امامزاده بودن آن محل، به‌همان حال حفظ و نگه‌داری شده بود، تا این‌که در یک شب زمستانی (در نیمه دهه ۱۳۷۰) از طرف سودجویان تونلی در زیر این مقبره حفر می‌شود و اشیاء مدفون در اتاقک این مقبره صوری مورد دستبرد قرار می‌گیرد و قرارداشتن سفال‌های شکسته شده لعابدار تک‌رنگ در محافض تونل مهرتأییدی بر حضور اشیاء مختلفی در آن؛ هم‌اکنون این محل متروک و بلااستفاده شده است. نمونه دیگر از اعتقاداتی از این دست درباره امامزاده‌گان، می‌توان به امامزاده «عباسعلی» روستای باباعلی از توابع شهرستان صالح‌آباد همدان اشاره کرد؛ در

روستای با باعلی نیز موضوع مشابهی در مورد ماهی‌های سردآبی موجود در سرآب و چشمه جاری از زیر مقبره امامزاده مذکور وجود دارد؛ مبنی بر این که اگر از ماهی‌های آن برای خورد و خوراک استفاده شود، شخص مورد استفاده دچار امراض و مصیبت خواهد شد؛ و در پس این اعتقاد، از گذشته‌های دور، هیچ یک از اهالی روستا اقدام به ماهیگری از سرداب امامزاده نکرده و نمی‌کنند و این اعتقاد دلیلی بر حفظ حیات ماهی‌های این سرداب شده است.

با این وصف و پیش‌زمینه اعتقادی در مورد امامزادگان در نواحی و اقوام مختلف، و با توجه به فقدان مواد فرهنگی و عدم وجود اطلاع کافی برای تحلیل چگونگی حضور اشیاء نفیس مکشوف در قبرستان برزول، می‌توان دو فرض را مطرح کرد؛ ۱. دفن اشیاء در محوطه امامزاده در حفظ و مصون ماندن آن از دستبرد و غارت در مواقع خطر و بحرانی. ۲. قراردادن اشیاء به عنوان هدایا و گورنهاد در کنار شخص متوفی.

نتیجه‌گیری

گونه‌های مختلف سفالی دوران اسلامی مجموعه به دست آمده از گورستان برزول نهند از غنی‌ترین و با ارزش‌ترین یافته‌های سفالی استان همدان، به لحاظ سالم بودن آن به شمار می‌آیند که به طور کلی به دو دسته لعاب‌دار و بدون لعاب تقسیم می‌شوند؛ و براساس ماهیت، از مهم‌ترین عناصر سن‌سنجی و گاهنگاری این مجموعه نیز به شمار می‌آیند که در امر تاریخ‌گذاری دقیق و ماهیت تاریخی در این پژوهش کمک شایانی کرده است.

در پاسخ به پرسش نخست، در این باره، سفال‌ها (لعاب‌دار) قابلیت تاریخ‌گذاری نسبی و تطبیقی قابل قبول تری را دارا هستند؛ به صورت کلی، سفال‌های مکشوف از قبرستان برزول را از لحاظ زمانی می‌توان در بازه زمانی قرون قرون میانه و سده‌های شش و هفت هجری قمری مطالعه و تاریخ‌گذاری کرد که نشان از تعاملات فرهنگی و دادوستد مراکز دوران اسلامی، مانند: سلطان‌آباد، ری، نیشابور، کاشان با نهند را فراهم ساخته است؛ یافته‌های سفالی قبرستان برزول با یافته‌های منطقه‌ای (محلّه دوخواهران در شهر نهند و سایر محوطه‌های استان همدان مانند: زینوآباد، هگمتانه و درجزین) و فرامنطقه‌ای (مانند: بیستون، قروه سنندج، سلطان‌آباد، ری، نیشابور، و کاشان) را از قرون میانی (سده‌های ششم هجری قمری) را نشان می‌دهد. سفال‌های مجموعه برزول از نظر شیوه ساخت و نقوش با مناطق همجوار بسیار به هم نزدیک تر بوده و حتی گاهی می‌توان گفت که کاملاً شبیه یکدیگر هستند؛ اما در مقایسه با نمونه‌های فرامنطقه‌ای، در مواردی از نظر شیوه ساخت و فرم ظروف مشابه هستند، ولی از نظر نقوش و طرح‌های تزئینی تفاوت‌های جزئی با یکدیگر دارند. لعاب سفال‌های تک‌رنگ برزول از نوع سبز فیروزه‌ای و خمیره آن از نوع خمیره سنگی به رنگ نخودی، نخودی مایل به قرمز با آمیزه ماسه بادی هستند. شاخص‌ترین سفال‌های مجموعه برزول را باید سفال‌های زرین‌فام و مینایی دانست؛ براساس مقایسه صورت گرفته با نمونه‌های مشابه آن در سایر مراکز دوران اسلامی در بازه زمانی قرون ششم هجری قمری قرار می‌گیرند. گونه سفال‌های

ساده و نخودی قبرستان برزول کیفیت و مرغوبیت قابل توجهی نداشته و قابل اتکاء در بحث تاریخ‌گذاری نیستند. در بحث اشیاء مفرغی، کوزه و ابریق‌ها از اشیاء شاخص‌تری نسبت با سایر اشیاء مجموعه قبرستان برزول به‌شمار می‌آیند که نمونه مشابه آن از نیشابور و متعلق به قرن ششم هجری قمری به‌دست آمده است. در پاسخ به پرسش دوم، در این باره دو فرضیه مطرح است که با توجه به فقدان مواد فرهنگی و عدم وجود اطلاع کافی و میسر نبودن امر کاوش در قبرستان برزول، دفن هدفمند اشیاء در محوطه امامزاده فضل علیه السلام به‌منظور حفظ و مصون ماندن آن از دستبرد و غارت در مواقع خطر و بحرانی، منطقی‌ترین گزینه بوده است؛ چراکه اثبات خرافی بودن دفن اشیاء به‌دلیل عدم وجود اطلاعات کافی و قابل اتکاء و نیازمبرم به مطالعات فرهنگی و قوم‌نگاری، کمی دور دور از ذهن خواهد بود.

سپاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از کلیه عزیزانی که در نگارش این پژوهش، یاری رسانده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نمایند؛ از جناب آقای مهندس علی المیر (مدیر کل محترم میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان)، جناب آقای حمید موسیوند (بخشدار محترم زرین دشت)، جناب آقای سید محمدنقی سیدی تبار (امین اموال اداره کل میراث فرهنگی استان همدان)، سرکار خانم لیلا خوشمو (مسئول محترم موزه هگمتانه)، دکتر سعید امیرحاجلو و دکتر حسین صدیقیان به‌جهت قراردادن برخی مطالب و تصاویر و ارائه نقطه‌نظرات سازنده و همچنین از سایر عزیزانی که نام آن‌ها از قلم افتاده که با همکاری‌های بی‌دریغ خود یاری‌گر بوده‌اند، مراتب تشکر و قدردانی را ابراز می‌دارند.

پی‌نوشت

۱. نهاوند توسط مردم بصره فتح شد و به همین دلیل در آغاز، نهاوند را «ماه بصره» نامیده‌اند (زارعی، ۱۳۹۲: ۴۰)؛ ابوریحان بیرونی در کتاب الجماهر (۱۳۷۴: ۲۰۵) نوشته است: «ماه» عبارت است از «زمین جبل»، و «ماهین» عبارت است از «ماه بصره» که دینور باشد و «ماه کوفه» که نهاوند باشد و اغلب به آن دو «ماه سبزان» را افزایند و جمله را «ماهات» نامند و بسا نهاوند را به «ماه دینار» و «ماه بصره» یاد کنند.

کتابنامه

- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۷۴، الجماهر فی الجواهر. مصحح: یوسف الهادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر نشر میراث مکتوب، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اینسول، تیموتی، ۱۳۹۸، باستان‌شناسی اسلام. ترجمه حسین صبری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱، مسالک و ممالک. ترجمه سعید خاکرند، با مقدمه‌ای از آندره میکل، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۶۸، مسالک و ممالک از قرن ۵ و ۶ هجری. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۸۷، تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم، سفرنامه عراق عجم، ناصرالدین شاه، به تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: اطلاعات.
- افراسیاب پور، علی اکبر، ۱۳۸۱، جغرافیای تاریخی شهر نهاوند. انتشارات زهیر، چاپ اول.
- امینی، فرهاد، ۱۳۹۹، سفالگری و سفال در ایران و همدان (دوره اسلامی). ویرایش: مصطفی قهرمانی ارشد؛ [به سفارش] حوزه هنری استان همدان، مجموعه آثار مکتوب حوزه هنری استان همدان ۹۲؛ شناخت نامه ۴۵، دانش نامه و پیوست‌ها؛ ۲۵.
- بیک محمدی، خلیل‌الله؛ جانجان، محسن؛ خاکسار، علی؛ بیک محمدی، نسرین، ۱۳۹۲، «حمام‌های شهر نهاوند بر پایه بررسی و مطالعات موردی باستان‌شناختی». در: نهاوند، مجموعه مقالات همایش یکروزه باستان‌شناسی نهاوند (به مناسبت پاسداشت استاد مهدی رهبر)، گردآورندگان: اسماعیل رحمانی و علی خاکسار، ناشر: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، نظارت و اجرا: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، صص: ۲۴۰-۲۲۸.
- توحیدی، فائق، ۱۳۸۲، فن و هنر سفالگری. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- جانجان، محسن، ۱۳۹۸، گزارش فصل چهارم گمانه زنی و کاوش به منظور شناسایی معبد لائودیسه نهاوند، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- جانجان، محسن؛ بیک محمدی، خلیل‌الله؛ هژبری، علی؛ بیک محمدی، نسرین، ۱۳۹۲، «پل تاریخی زرامین (پل علاقه یا لایق) نهاوند». در: نهاوند، مجموعه مقالات همایش یکروزه باستان‌شناسی نهاوند (به مناسبت پاسداشت استاد مهدی رهبر)، گردآورندگان: اسماعیل رحمانی و علی خاکسار، ناشر: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، نظارت و اجرا: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، صص: ۱۶۵-۱۵۳.
- حموی، یاقوت، ۱۳۶۲، برگزیده مشترک یاقوت حموی. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: امیرکبیر.
- دیمانند، موریس اسوند، ۱۳۶۵، راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
- رحمانی، اسماعیل، ۱۳۹۲، «پژوهش‌ها و مطالعات باستان‌شناسی شهرستان نهاوند». در: نهاوند، مجموعه مقالات همایش یکروزه باستان‌شناسی نهاوند (به مناسبت پاسداشت استاد مهدی رهبر)، گردآورندگان: اسماعیل رحمانی و علی خاکسار، ناشر: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، نظارت و اجرا: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، صص: ۷۰-۶۳.
- رحمانی، اسماعیل؛ و ترابی، احمد، ۱۳۹۲، «تحلیل معماری و گونه‌شناسی حمام حاج آقا تراب نهاوند». در: مجموعه مقالات همایش یکروزه باستان‌شناسی نهاوند (به مناسبت پاسداشت استاد مهدی رهبر)، گردآورنده: اسماعیل رحمانی، علی خاکسار، ناشر: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، همدان، آذرماه ۱۳۹۲، صص ۲۵۲ تا ۲۶۰.

- رضازاده، طاهر، ۱۳۹۹، «گونه‌شناسی تحلیلی پیه‌سوزهای سفالی و مفرغی دوره تاریخی در ایران». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال ۴، شماره ۱۱، صص: ۱۳۱-۱۱۵.
- رهبر، مهدی، ۱۳۸۴ الف، «گزارش بررسی و گمانه‌زنی به منظور شناسایی معبد لائودیسه». آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

- رهبر، مهدی، ۱۳۹۰، «گزارش فصل دوم بررسی و گمانه‌زنی به منظور شناسایی معبد لائودیسه نهاوند». آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

- رهبر، مهدی، ۱۳۹۱ الف، «گزارش فصل سوم بررسی و گمانه‌زنی به منظور شناسایی معبد لائودیسه نهاوند». آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

- رهبر، مهدی، ۱۳۹۱ ب، «گزارش فصل هفتم (کاروانسرای ایلخانی) کاخ ناتمام بیستون». آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی استان کرمانشاه-بیستون (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی؛ و علی بیگی، سجاد، ۱۳۹۰، «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختی به منظور مکان‌یابی معبد لائودیسه در نهاوند». مجله پیام باستان‌شناسی، سال ۸، شماره ۱۵، صص: ۱۶۰-۱۳۳.

- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۹۲، «ساختارهای شهر نهاوند، از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار براساس آثار موجود و مدارک مکتوب». در: نهاوند، مجموعه مقالات همایش یک‌روزه باستان‌شناسی نهاوند (به مناسبت پاسداشت استاد مهدی رهبر)، گردآورندگان: اسماعیل رحمانی و علی خاکسار، ناشر: سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، نظارت و اجرا: اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان، صص: ۶۲-۳۴.

- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۹۹، «بررسی و تحلیل حیات تاریخی شهر درگزین در دوران اسلامی (براساس مستندات تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناسی)». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، سال ۱۰، شماره ۲۵، صص: ۱۸۱-۲۰۶.

- زارعی، محمدابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ امینی، فرهاد؛ و دینی، اعظم، ۱۳۹۳، «بررسی و مطالعه سفال‌های دوره ایلخانی به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود». نشریه مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص: ۹۰-۷۳.

- سازمان مسکن و شهرسازی استان همدان، ۱۳۷۲، طرح جامع شهرستان نهاوند. مهندسین مشاور بعد تکنیک.

- شایان، سیاوش؛ زارع، غلامرضا؛ و خلیلی، سعید، ۱۳۹۱، «ارزیابی ارزش علمی و افزوده مکان‌های گردشگری براساس روش رینارد (مطالعه موردی: تپه گیان، دشت نهاوند)». مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، دوره ۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۲، پاییز، صص: ۷۴-۵۷.

- شریفان، هادی؛ ده‌پهلوان، مصطفی، ۱۳۸۷، «فلزکاری نیشابور در دوره اسلامی (قرن ۲ تا ۶ ه.ق.)». باستان‌پژوه، سال ۱۰، شماره ۱۶، صص: ۳۱-۴۶.

- شریفی، فرشته؛ و زارعی، محمدابراهیم، ۱۴۰۰، «بررسی و مطالعه سفال‌های دوران اسلامی دشت قروه - استان کردستان». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال ۵، شماره ۱۵، صص: ۲۱۱-۱۸۹.
- فقیه محمدی جلالی، محمدمهدی، ۱۳۸۸، مزارات نه‌اوند؛ پژوهشی در معماری و شرح حال شخصیت‌های مدفون در بقاع متبرکه شهرستان نه‌اوند و نگاهی به جاذبه‌های توریستی و تاریخی آن. قم: انتشارات وثوق.
- فهروری، گیزا؛ و کیانی، محمدیوسف، ۱۳۶۰، «فلزات مکشوفه از رباط». مجله اثر، پاییز، شماره ۵، صص: ۷۲-۱۰۶.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۸۶. سفال و سفالگری در ایران (از ابتدا نوسنگی تا دوران معاصر). تهران: انتشارات ققنوس.
- کریمی، فاطمه؛ و کیانی، محمدیوسف، ۱۳۶۴، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: چاپ اول، چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
- کیانی، محمدیوسف، ۱۳۸۰، پیشینه سفال و سفالگری در ایران. تهران: انتشارات نسیم دانش.
- گروه، ارنست، ۱۳۸۴، سفال اسلامی. ترجمه: فرناز حائری، تهران: نشر کارنگ.
- محمدی، مریم؛ و شعبانی، محمد، ۱۳۹۵، «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد-بهار، همدان»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ششم، پاییز و زمستان، شماره ۱۱، صص: ۱۳۵-۱۵۰.
- محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۹۲، «گاهنگاری شهرستان نه‌اوند براساس مدارک باستان‌شناسی». در: نه‌اوند، مجموعه مقالات همایش یک‌روزه باستان‌شناسی نه‌اوند (به مناسبت پاسداشت استاد مهدی رهبر)، گردآورندگان: اسماعیل رحمانی و علی خاکسار، ناشر: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، نظارت و اجرا: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، صص: ۳۳-۱۴.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس، ۱۳۸۲، «بررسی باستان‌شناسی بخش خزل نه‌اوند». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله، ۱۳۴۵، عرایس الجواهر و نفایس الاطایب. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.
- مستوفی، حمدالله، ۱۳۸۱، نزهة القلوب. به‌کوشش: سید محمد دبیرسیاقی، قزوین: نشر حدیث امروز.
- ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲، سفرنامه عراق عجم. انتشارات تیراژه، چاپ سوم.
- نظری‌ارشد، رضا، ۱۳۸۶، «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان کبودرآهنگ (فصل اول)». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).
- نظری‌ارشد، رضا؛ بیک محمدی، خلیل‌الله، ۱۳۹۶. «گونه‌شناسی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی دشت تویسرکان (مبتنی بر مطالعات میدانی بررسی باستان‌شناختی شهرستان تویسرکان)». در: مجموعه مقالات سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، به‌اهتمام: حسن هاشمی زرج‌آباد و سامان فرزین، صص: ۶۲۷-۶۱۵.

- واتسون، آلیور، ۱۳۸۲، سفال زرین فام ایرانی. ترجمه شکوه ذاکری، تهران: سروش.
- هژبری، علی، ۱۳۸۹، «بازنگری تعیین عرصه و حریم محوطه تاریخی هگمتانه». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).
- هول، فرانک، ۱۳۸۱، باستان‌شناسی غرب ایران. ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.

- Afrasiyabpour, A., 2002, *Historical geography of Nahavand city*. Zahir Publications, First Edition (In Persian).
- Amini, F., 2020, *Pottery in Iran and Hamedan (Islamic period)*. Edit by: Mostafa Ghahremani Arshad; Hamedan Art Center, collection of written works of Hamedan Art Center, Vol: 92 (In Persian).
- Beiyk Mohammadi, Kh.; Mohsen, J.; Khaksar, A. & Beiyk Mohammadi, N., 2013, "Nahavand Baths establish archaeological case studies". Publisher; Handicrafts and Tourism Cultural Heritage Organization, P,p 228-240 (In Persian).
- Bironi, A., 1995, *Aljamah javaher*. Corrector: Yousef, Alhadi, Ministry of culture and Islamic Guidance (In Persian).
- Dimond, M., 1986, *Guide to Islamic Industries*. Translated by: Abdollah Faryar, Tehran: Scientific & Cultural (In Persian).
- Estakhri, A. E., 1989, *Masalek & Mamalek from 5 & 6 centuries AH*. by the ef-forts of: Iraj Afshar, Tehran: Scientific and Cultural Publications (In Persian).
- Etemadolsaltaneh, M. H., 2008, *History and geography of Ajam Iraq, Ajam Iraq Travelogue, Naseredin Shah*. To correct by: Mirhashem Mohaddes, Tehran; Etelaat (In Persian).
- Ettinghausen, R., 1936, "Evidence for the Identification of Kāshān Pottery". *Ars Islamica*, Vol. 3, No. 1, Pp: 44-75.
- Faghihmohammafi Jalali, M. M., 2009, *Research in architecture and biography of personalities buried in the holy places of Nahavand city*. Qom, Vossoghi Publications (In Persian).
- Fahrvari, G. & Kiani, M., 1981, "Metals discovered from the Robot". *Asar Journal*, No. 5, Pp: 72-106 (In Persian).
- Fehervari, G., 1973, *Islamic pottery a comprehensive study based on the Barelw Collection London*. Faber and Faber.
- Fehervari, G., 2000, *Ceramics of the Islamic world*. London, I. B Tauris Publishers.
- Grobe, E., 2005, *Islamic pottery*. Translated by: Farnaz Haeri, Tehran, Karang Publication (In Persian).

- Hall, A. R., 1934, "A new collection of Islamic Pottery". *Bulletin of the Museum of Fine Arts*, Vol. 32, No. 192, Pp: 58-67.
- Hamavi, Y., 1983, *Selected Yaghot Hamavi*. Translated by: Mohammad parvin gonabadi, Tehran: Amirkabir (In Persian).
- Hole, F., 2002, *Archeology of west the Iran*. Translated by: Zahra Bayesti, Tehran, Samt (In Persian).
- Hozhabri, A., 2010, "Review of determining the area and privacy of Hegmataneh historical site". Archive of the general directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Hamedan Province (Unpublished, In Persian).
- Ibn-e-khordadbeh, 1992, *Masalek&Mamalek*. Translated by: Saeed Khakrand, with an introduction by Andre Mikel, Tehran, Institute of National Heritage Studies and Publications (In Persian).
- Insul, T., 2019, *Archeology of Islam*. Translated by: Hossein Sabri, University of Tehran Press (In Persian).
- Janjan, M., 2020, "Report of the fourth chapter of speculation and excavation to identify the temple of Laodicea Nahavand". Archive of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of the Hamedan Province (Unpublished, In Persian).
- Janjan, M.; Beiyk Mohammadi, Kh.; Hozhabri, A. & Beiyk Mohammadi, N., 2013, "Zaramin historical bridge Nahavand". Publisher: Handicrafts and Tourism cultural Heritage Organization, Pp 153-165 (In Persian).
- Kambakhshfard, S., 2007, *Pottery in Iran*. Tehran: Qoghnos Punlication (In Persian).
- Karimi, F. & Kiani, M. Y., 1985, *The art of pottery in the Islamic period of Iran*. Tehran: First Edition, Printing House of the Ministry of Islamic Guidance (In Persian).
- Kashani, A., 1966, *Arayes-al-javaher& nafayes al-atayeb*. by: Iraj Afshar, Tehran: National works Association (In Persian).
- Khalili, N. D., 2008, *Visions of splendor in Islamic art and culture*. Worth Press.
- Kiani, M. Y., 2001, *The history of pottery in Iran*. Tehran: Nasim-e-Danesh Publication (In Persian).
- Mohammadi, M. & Shabani, M., 2016., "Introduction and analysis of pottery of the Islamic era in Zinoabad-Bahar-Hamedan". *Pazhoheshhay-e-Bastanshenasi*, No. 11, Pp: 135-150 (In Persian).
- Mohammadifar, Y. & Motarjem, A., 2003, "Archaeological study of Khezal Na-havand section". Archive of the General directorate of cultural

Heritage, Handicrafts and Tourism of Hamedan Province (Unpublished, In Persian).

- Mostofi, H., 2002, *Nozhatol gholob*. by: Seyed Mohammad Dabir siyaghi, Qazvin, Hadis-e-Emroz Publication (In Persian).

- Naseredin-Shah Qajar, 1983., *Ajam Iraq Travelogue*. Tirazheh Publication, Third Edition (In Persian).

- Nazari-Arshad, R., 2007, "Archaeological study and identification of Kaboudra-hang City". Archive of the general directorate of Cultural Geritage, Handicrafts and Tourism of Hamedan Province (Unpublished, In Persian).

- Pope, A. U., 1936, "A Signed Kashan Mina'I Bowl". *The Burlington Magazine for Connoisseurs*, Vol. 69, No. 403, Pp: 144-147.

- Pope, A. U., 1977, *Ceramic art in Islamic times, A History, in A survey of Persian Art*. A.U Pope, and P. Ackerman (eds), Vol IV, Tehran: Soroush.

- Rahbar, M. & Alibeigi, S., 2011, "Archaeological research report to locate the La-odicean Temple in Nahavand". *Journal of Payam-Bastanshenas*, Vol 8, No 15, Pp 133-160 (In Persian).

- Rahbar, M., 2011, "Report of the second chapter of speculation in order to identify the temple of Laodicea Nahavand". Archive of the General Directorate of cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Hamedan Prvince (Unpublished, In Per-sian).

- Rahbar, M., 2012, "Chapter 7 report on unfinished Bistoon Palace". Archive of General Directorate of Cultural Heritage Handicrafts and Tourism of Kermanshah, Bistoon (Unpublished, In Persian).

- Rahbar, M., 2012, "Report of the third chapter of speculation in order to identify the temple of Laodicea Nahavand". Archive of the General Directorate of cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Hamedan Prvince (Unpublished, In Persian).

- Rahbar, Mahdi, 2005, "Investigation report and speculation to identify the Laodi-cean temple". Archive of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Hamedan Province (Unpublished, In Persian).

- Rezazadeh, T., 2020, "Analytical typology of pottery and bronze tallows history period in Iran". *Motaleat-e-Bastanshenasi Parseh*, Vol. 14, No. 11, Pp: 115-131 (In Persian).

- Sarre, F., 1937, "Eine seltene Lüsterschale der Rayy-Keramik". *Ars Islamica*, Vol. 4, Pp: 190-194.

- Sharifi, F. & Zarei, M., 2021, "Study and review of pottery of the Islamic era in Qorveh plain-Kurdestan Province". *Motaleat-e-Bastanshenasi Parseh*, Vol 5, No 15, Pp 189-211 (In Persian).

- Sharifian, H. & Dehpahlevan, M., 2008, "Neishabour metalworking in the Islamic period". *Bastan Pazhoh*, Vol. 10, No. 16, Pp: 31-46 (In Persian).
- Shayan, S.; Zare, Gh. & Khalili, S., 2012, "Evaluation of scientific value and added value of tourist places based on Reynard's method". *Barnamehrizi & Gardeshgari Journal*, No 2, Pp: 57-74 (In Persian).
- Tohidi, F., 2003, *The art of pottery*. Tehran: Samt Publication, First Edition (In Persian).
- Watson, A., 2003, *Iranian golden pottery*. Translated by: Shokouh Zakeri, Tehran, Soroush (In Persian).
- Wilkinson, C. K., 1973, *Nishapur: Pottery of Early Islamic Period*. The Metropolitan Museum of Art.
- Zarei, M. E., 2020, "Study and analysis of the historical life of Dargazin city in the Islamic era". *Pazhoheshhay-e-Bastanshenasi*, Vol 10, No. 25, Pp: 181-206 (In Persian).
- Zarei, M.; Khaksar, A.; Motarjem, A.; Amini, F. & Dini, A., 2014, "Study of pottery of the Ilkhanid period obtained from Arzanfood archeological excavations". *Motaleat-e-Bastanshenadi*, No. 2, Pp: 73-90 (In Persian).